

بالعقیم لعدم انتاجها حبلا و فرقی بینها ای بین الرجیم و غیر الرجیم
 به عقیم برای عدم نتیجه دادن او چیزی را و فرق میان آن ای میان رجیم و غیر رجیم
 فاللواغ ما انتج خیرا من انشاء سحاب ما طر و العقیم ما کانت
 پس لوان چیزی اند که نتیجه دادند چیزی را از بعد کردن ابر بارند و عقیم چیزی است که
 بخلافها فالعقم اینها کان مانع من الانتاج و جعل الله جیبی بیکت
 مختلف لوانی پس عقیم هر جا که باشد مانع است از نتیجه دادن و کردارند الله جیبی را بیکت
 دعایه ای دعاء ذکر یا علیه السلام حلیت قال فقیه لی من لدنک
 دعا ذکر یا علیه السلام ای که کت
 پس شرا از زدن دلها
 یں نفی و برت من ال یعقوب و ارت ما عنده من العلم و النبوة
 که درت بود و درت بود از ال یعقوب و ارت چیزی که زود کار از علم و نبوت
 و الدعوة الی الهدایة و الا بجاد من الضلاله و غیرها فاشبهه جیبی
 و دعوت بوی هدایت و درود داشتن از ضلالت و غیر آنها پس مشابه شد
 علیه السلام من جم فی ال امر نه لانه لما کفل نرک یا علیه السلام من جم
 علیه السلام مریم را در درت نر که بدستیکه را که کفین شد ذکر یا علیه السلام
 و نصدی لتی بینها ارت فیها بعض صفا ته ال کمالیه فیجی نون ما
 و پیش آمد برای تربیت او برت کرده شد در هر بعض صفات محابیه ذکر یا علیه السلام
 عنده اذ فی الحصوریه لا فیها کانت من جملة ما کان عند ذکر یا
 که نزد ذکر یا بود اولی صورت را زیرا که بدستیکه صورت بود از جود آنچه بود نزد ذکر یا
 لکفالتة ایاها فلما ورت جیبی ما عنده ورت بعض صفا تصا
 برای کفالت او مریم را پس که درت شد جیبی چیزی که نزد ذکر یا بود درت شد بعض صفات

فلا

فاشبهها فیہ و كذلك جعله و ارت جماعته من ال ابراهیم علیه السلام
 پس به شرم را در و درت و بختان که درت اودا درت جماعت اولی ابراهیم علیه السلام
 من ال انبیاء و الاولیا و العلما یما فی الامم المذکوره انفا
 از انبیا و اولیا و علما در اودیکه ذکر کرده شده و انفا
 انما خضت الکلمة الالباسیه بال حکمة الاینا
 جز این است که نفس مذکوره که ابراهیم علیه السلام
 لانه علیه السلام قد غلب علیه ال روحانیه و القوة الملکوتیه حتی بان
 زیرا که بدستیکه او علیه السلام تخلف غالب بر وی روحانیه و قدرت ملکوتی تا که نسبت
 بها الملائکة و انس بهم کما انس و اوسطه جسمانیة بالانسان فقد انس
 با آن قدرت ملکوتی و انست که انست با انست که انست بر سطح است خود با انست که انست
 بالطایفین و خالط الفریقین و کانه من کل منهما نقاء یا انس بهما
 بهر دو طایفه و مخالطت که بهر دو فریق و بود در ایس از هر یک از آن دو فریق و نقاء است که انست
 من کمال الروحانیه مبلغا لوفیه الموت کالحض و عبی علیها السلام
 از کمال روحانیه جایی را که از زمینیکه در آن موت مانند و عبی علیها السلام
 قال رضی الله عنه الیا س هو ادریس کان نبیا قبل نوح علیه السلام
 فرمود رضی الله عنه ایس آن ادریس است که بود نبی پیش از نوح علیه السلام
 و رفعه الله مکانا علیا فغرق قلب ال افلاک ساکن و هو فک الشمس
 و بود ارت اودا از انست عالی در مکان برزب آن ادریس در قلب فک ساکن است و آن قلب فک است
 ثم بعث الی قریه یعلبک ثم مثل له انفلاق الجبل المسع لبنان عن قر
 پس از آنکه بر وی بعلبک پس مثل شد برای او از کفالت نر که که بیکه سسی لبان است